

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

فرستنده: مناف فلکی فر

۲۸ نومبر ۲۰۲۱

در باره زندگی رفیق شهید،

محمد عظیمی



در جریان کشتار های ددمنشانۀ جمهوری اسلامی در سال ۶۰ ، دژخیمان رژیم تا آنجا که توانستند جوانان مبارز و رهرو چریکهای فدائی خلق را اعدام نمودند. یکی از این انقلابیون، چریک فدائی خلق رفیق محمد عظیمی بود که پس از تحمل شکنجه های طاقت فرسای دژخیمان جمهوری اسلامی سرانجام توسط آن مزدوران در بندر عباس اعدام شد. رفیق محمد در زمان تیرباران دانش آموز بود و حدود ۱۸ سال سن داشت. وی در خانواده ای فرهنگی به دنیا آمده بود و پدرش سالها دبیر دبیرستان ششم بهمن بندر عباس بود.

رفیق محمد، رفیقی ورزشکار و عضو تیم فوتبال بود. تیم سینگو تیمی بود که تعدادی از فعالین چریکهای فدائی خلق در بندر عباس از جمله رفقا حسین رکنی، حمید معتقدی، محمد سلیمانی و علی مهمی عضو آن بودند، رفقائی که همچون رفیق محمد عظیمی جان در راه آرمانهای انقلابی خود گذاشتند.

با اوج گیری انقلاب سالهای ۵۶ و ۵۷ علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه، رفیق محمد نیز همچون خیلی از هم نسلان مبارزش به امواج این انقلاب پیوست و با توجه به شهرت بسیار مثبت و مردمی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در میان توده ها به خاطر مبارزات مسلحانه اش با رژیم شاه به هواداری از این سازمان برخاست. اما متأسفانه در آن زمان مار های خوش خط و خالی در درون این سازمان نفوذ کرده بودند که این جریان انقلابی را از حرکت در جهت وظایف انقلابی اش باز داشتند. به همین دلیل هم هنوز مدتی از قیام بهمن نگذشته بود که پیروان ارزشها و سنتهای انقلابی این سازمان و مبارزات مسلحانه اش علیه رژیم شاه یعنی کسانی که با قدرت گیری خمینی از شکست قیام بهمن [دلو] سخن

گفته و مسأله‌شان ادامه انقلاب تا پیروزی کارگران و ستمدیدگان بود، صفوف خود را از اپورتونیستهای لانه کرده در سازمان جدا کرده و بر ضرورت سازماندهی مسلح توده‌ها جهت ادامه انقلاب تأکید نمودند. با این جدائی و شکل‌گیری مجدد چریکهای فدائی خلق، به طور طبیعی بخشی از هواداران سابق سازمان که مماشات طلبی رهبران اپورتونیست با دار و دسته خمینی را بر نمی‌تابیدند نیز صفوف این سازمان را ترک کرده و به چریکهای فدائی خلق ایران که پس از این جدائی اعلام موجودیت کرده بودند، پیوستند. رفیق محمد از جمله همین رفقاء بود.

جنبش دانش‌آموزی ۱۹ بهمن و هسته‌های سیاسی نظامی در بندر عباس تشکل‌هایی بودند که که رفیق محمد در جریان فعالیتهای مبارزاتی‌اش با همه وجود در جهت رشد و گسترش آنها گام برداشت. به اعتبار مبارزات و جان‌فشانی‌های رفقائی نظیر رفیق محمد بود که هواداران چریکهای فدائی خلق خیلی زود به مهمترین نیروی سیاسی در شهر بندر عباس تبدیل شدند. مسلم است که این امر نمی‌توانست با عکس العمل ددمنشانه دژخیمان خمینی مواجه نشود و به همین دلیل هم تشکیلات چریکهای فدائی خلق مورد یورش مزدوران جمهوری اسلامی قرار گرفت. هراس سردمداران جمهوری اسلامی از رشد و گسترش تشکیلات چریکهای فدائی خلق ایران در بندر عباس تا به حدی بود که محسن رضائی یکی از سردژخیمان حکومت از رشد و "نفوذ" این تشکیلات در سپاه پاسداران ضد خلقی یاد نموده و نسبت به خطر چریکهای فدائی خلق در بندرعباس در دهه ۶۰ برای نیروهای حکومت سخن گفت.

به همین دلیل هم بود که در جریان یورش سیستماتیک و سراسری جنایتکاران حاکم به سازمانهای سیاسی و مردم ستمدیده بعد از ۳۰ خرداد[جوزا] سال ۶۰ تعداد زیادی از فعالین چریکهای فدائی خلق دستگیر و پس از شکنجه‌های وحشیانه اعدام شدند که رفیق محمد عظیمی از جمله آنها بود.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد!